

سیاست خارجی ایران در دوره پرفراز و فرود خاورمیانه
در گفت‌وگو با حمید دهقانی، دیپلمات ایرانی بررسی شد

طوفان شن‌های صحرا



رضا عدالتی پور
خبرنگار دیپلماتی

در بحبوحه تحولات شتابان غرب آسیا، ایران با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو است. فرصت‌هایی که حمید دهقانی پوده سفیر سابق ایران در قطر و مدیر کل سابق خاورمیانه معتقد است در این دوره سرنوشت‌ساز ثانیه‌ها در بدست آوردن این فرصت‌ها حیاتی است. دهقانی در این گفت‌وگو به بررسی نقش ایران در منطقه، سیاست‌های جاری و راهبردهای پیش رو پرداخته تا تصویر روشنی از منافع واقعی ایران در غرب آسیا ارائه دهد. در این میان، نظریه مقاومت، نقش گروه‌های نیابتی، و تأثیر تحولات تکنولوژیک بر جایگاه ایران مورد بحث قرار گرفت. موضوعاتی نظیر اهمیت اجماع داخلی، اصلاح گفتمان منطقه‌ای برای پرهیز از انزوای بین‌المللی به عنوان عوامل کلیدی در موفقیت سیاست خارجی ایران برجسته می‌شوند. این گفت‌وگو دریچه‌ای به سوی درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ایران در منطقه غرب آسیا در دوران پرتلاطم پیش رو است.

فرایندهای منطقه را چطور ارزیابی می‌کنید در رابطه با تأثیری که می‌تواند روی جایگاه ایران بگذارد؟ با این رویکرد که ایران باید چه کارهایی در آینده انجام دهد در منطقه و چه کارهایی را نباید انجام دهد تا بتواند منافع خود را به شکل حداکثری تأمین کند؟

بینید وضعیت‌ها و زمان‌ها در تاریخ تأثیر متفاوتی دارد. واقعیت این است که یک سال یا یک دهه از نظر گذر زمان همواره مقدار مشخصی دارد. اما بسته به متغیرها و پویایی محیط بعضاً دوره‌هایی در تاریخ وجود دارد که نه در یک سال که حتی در یک ماه و یک هفته سرنوشت یک ملت تغییر می‌کند. تحولاتی که در سوریه رخ داد باید ما را نسبت به اینکه در چه دوره مهمی از تاریخ به سر می‌بریم هشدار کند. دوران‌گذار که در آن سرعت تحولات بسیار بالا است و البته بسیار حساس.

ما شاهد این هستیم برخلاف دوره‌های اخیر که در یک سال مثلاً یک حادثه یا دو حادثه رخ می‌داد، الان در هر ماه و بعضاً هر هفته شاهد حوادث بسیار مهمی هستیم که برخی از این حوادث ممکن بود حتی طی یک دهه رخ دهد. از این جهت به نظرم می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران باید خیلی مراقب این باشد.

در کنار تحولات ژئوپلیتیک، پیشرفت‌های تکنولوژیک و مباحث مرتبط با هوش مصنوعی نیز هست. این پیشرفت‌ها و تحولات تکنولوژیک خیلی

بروز دارد و باید برای آن آماده بود. اما دو موضوع را باید در فرآیند کلان این تحولات در نظر داشت: اول اینکه بازبانی جایگاه و بازخوانی سیاست‌ها برای تأمین منافع ملی ضروری است. دوم اینکه در این فرآیند بازبانی و بازخوانی باید طرحی را اجرا کرد که در آن سیاست منطقه‌ای و جهانی کشور در تضاد و تناقض با هم قرار نگیرند.

در ابتدای بحث فضای کلی را برای ما ترسیم کنید از شرایط حال حاضر غرب آسیا و مناسباتی که در آن وجود دارد، هم در پسا هفت اکتبر و هم بعد از سقوط نظام اسد. اینکه الان شرایط در بین قدرت‌های غرب آسیا به چه ترتیب است؟

به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی غرب آسیا بشدت سیال است و هنوز هیچ یک از مسائل به تثبیت نهایی نرسیده‌اند. نه در موضوع فلسطین و نه در موضوع لبنان و سوریه و نه در سایر بحث‌هایی که بین کشورهای غرب آسیا برای حل و فصل مسائل وجود دارد، هیچ یک از آنها به ثبات نهایی دست نیافته‌اند. این سیالیت به این معناست که هر یک از طرف‌های درگیر در تلاش هستند تا قرائت خود را تثبیت کنند، وضعیت خود را پایدار سازند و همچنین قرائتی که دارند را برای همه جا بیندازند.

با این حال، علیرغم تمام تحولات داده در این مدت، نمی‌توان گفت که یک کشور به عنوان قدرت تثبیت شده در منطقه قرار دارد و کشور دیگر کاملاً در موضع ضعف قرار گرفته است. به عبارت دیگر، منطقه غرب آسیا شبیه به شن‌های صحرا، هر لحظه امکان تغییرات ژئوپلیتیک در آن وجود دارد و سرعت این تغییرات بسیار بالاتر از تصور است. همان‌طور که در موضوع تغییر حکومت در سوریه شاهد بودیم که اتفاقات با چه سرعتی رقم خورد، هر اتفاق دیگری نیز در منطقه امکان ظهور و

